

استقلال نهادهای دانشگاه‌های دولتی وابسته به

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران^۱

هادی رزاق مرندی^۲

خرم رحیم‌زاده^۳

قربان خواجه اف^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۸/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۰۳

چکیده

در این تحقیق توصیفی و اکتشافی سعی می‌شود ویژگی‌های برجسته استقلال نهادهای دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به دست آید. برای جمع‌آوری اطلاعات، علاوه بر بررسی مدارک حقوقی از مصاحبه و پرسشنامه نیز استفاده شده است. نمونه آماری آن عبارت است از مدیران ارشد نظام آموزش عالی ایران و گروه متخصصین (مدیریت آموزش عالی، تعلیم و تربیت و مدیریت دولتی). نتایج نشان می‌دهد که دخالت قابل توجه دولت در حیطه‌های هفت‌گانه استقلال دانشگاهی به ترتیب از کمتر به بیشتر عبارت است از: ۱- حیطه تحقیق و انتشار، ۲- برنامه درسی و تدریس، ۳- استانداردهای علمی، ۴- امور کارکنان، ۵- امور حکمرانی، ۶- امور اداری و مالی، ۷- امور دانشجویان. ضمناً دخالت دولت در این حیطه‌ها خیلی زیاد ارزیابی گردید. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند

^۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری علوم تربیتی در دانشگاه دولتی آموزگاری تاجیکستان در سال ۱۳۹۱ است.

^۲. مربی دانشگاه مفید hmarandi@gmail.com

^۳. استاد آکادمی علوم تربیتی تاجیکستان

^۴. استاد دانشکده صاحبکاری (کارآفرینی) و خدمت تاجیکستان

که مهم‌ترین عامل مؤثر در اداره دانشگاه‌های ایران از بین قدرت آکادمیکی، تصمیمات سیاسی، مقررات اداری و بازار، مقررات اداری است و استقلال موجود آن عمدتاً فرایندی است تا اساسی.

واژگان کلیدی:

استقلال دانشگاه، استقلال نهادی، مدیریت آموزش عالی، حکمرانی در دانشگاه

مقدمه

استقلال نهادی^۱ دانشگاه‌ها را اساساً «میزان اختیارات لازم دانشگاه‌ها برای هدایت امور خود» تعریف کرده‌اند (Marton, 2000, cited in Bladh, 2007) و به دلایلی که می‌آید وجود آن را برای عملکرد صحیح دانشگاه‌ها ضروری می‌دانند:

۱. حق سستی است که به خوبی در سال‌های گذشته متمر ثمر بوده است.
۲. دانشگاه‌ها مسئول حفظ و انتقال فرهنگ، ایجاد دانش جدید از طریق مطالعه و تحقیقات، توسعه ظرفیت دانشجویان برای قضاوت انتقادی و مستقل، پرورش درک زیبایی به بهترین شیوه در محیط آزاد و خالی از سلطه مستقیم خارجی می‌باشند.
۳. پیچیدگی فعالیت‌های دانشگاهی به میزان معتنا بهی استقلال نیاز دارد.
۴. استقلال در جامعه دموکراتیک برای کارکنان و دانشجویان دانشگاه کنترل و توازن فراهم می‌کند.

۵. در صورتی که دانشگاه به طور مؤثر عمل کند، لازمه پیچیدگی و غیرقابل پیش‌بینی بودن یادگیری و تحقیق درجه بالایی از عدم دخالت و کنترل خارجی است
۶. برای بهره‌وری بیشتر، اقتصاد و روحیه بهتر در بین کارکنان و دانشجویان دانشگاه، ضروری هست. (Okorosaye, A. K., et al., 2012)

مطالعات مختلف نیز همچون مطالعه آقین و دیگران (Aghion, et al, 2008, p. 5)، ریچرت و تاج (Reichert & tauch, 2005, p. 5)، استرمن و بتوت (Esterman & Bennetott, 2011) اثرات مثبت استقلال نهادی را نشان می‌دهند (Steinel, 2011) (Esterman & Nokkala).

در بیشتر جوامع، همواره موانع گوناگونی در برابر تحقق استقلال دانشگاهی وجود داشته است. برخی از این موانع عبارت‌اند از:

- قوانین و مقرراتی که در بعضی از کشورها جهت کاستن از هزینه‌ها وضع می‌شود؛
- انتظارات مالیات‌دهندگان و قانون‌گذاران درباره پاسخگویی بیشتر دانشگاه‌ها؛
- افزایش قوانین و مقررات درباره دانشگاه‌ها به علت کثرت مراکز قانون‌گذاری؛
- بررسی چندباره برنامه و بودجه دانشگاه‌ها؛
- وجود سازمان‌های متعدد برای بررسی و تأیید خریده‌ها و هزینه‌های دانشگاه‌ها؛

^۱. Institutional Autonomy

- و وجود ساختارهای انعطاف‌ناپذیر در جامعه (شامل نهادهای، زمینه‌ها، طرز تفکرها، رویه‌ها و فرهنگ‌ها). (Volkwein, F. J. 1986, pp.510-528) ، (فراستخواه، ۱۳۸۹، ص.۳۶).

دولت‌ها به شیوه‌های مختلف در امور دانشگاه‌ها دخالت می‌کنند. یک شیوه رایج عبارت است از استفاده از اختیار قانونی خود. شیوه دیگر که بیشتر در اروپا و آمریکا رایج است استفاده از اقتدار مالی خود و وابستگی مالی دانشگاه‌ها به آن‌هاست. شیوه دیگر که دخالت صریح است بیشتر در کشورهای آسیایی مشاهده شده است (Anderson & Johnson, 1998, p. 8). دانشگاه‌های غرب از آغاز تا حدود یک قرن پیش عمدتاً با حمایت مالی کلیساها، بازرگانان و افراد خیر به حیات خود ادامه داده‌اند. اما مشخصاً از جنگ جهانی دوم به بعد دولت‌ها حامی مالی دانشگاه‌ها شدند. حمایت‌های مالی دولتی سبب گسترش دانشگاه‌ها شد و دولت‌ها علاقه‌مند شدند که در امور داخلی دانشگاه‌ها دخالت نمایند، اما دانشگاه‌ها در سطح گسترده‌ای با اداره آن‌ها همانند اداره دبیرستان‌های دولتی یا خدمات عمومی باهدف‌ها و معیارهای کارایی منتخب از سوی دولت مخالفت نمودند (همان).

درحالی‌که دانشگاه‌ها مایل هستند از استقلال بیشتری بهره ببرند اما در سراسر جهان هیچ دانشگاه کاملاً مستقلی وجود ندارد (همان، ص. ۷) و اغلب، دولت‌ها در امور دانشگاه‌های خود دخالت می‌کنند.

در ایران از اواسط قرن نوزدهم مؤسسات آموزش عالی به سبک غربی در کنار مدارس سنتی احداث گردیدند. از آنجاکه این مؤسسات از متن تحولات درونی سنت‌های تعلیمی و تحقیقی این جامعه و در بستری از سیر تکاملی و توسعه این سنت‌ها به وجود نیامدند فاقد ریشه‌های هنجاری قوی و نظام حرفه‌ای درون‌زا بودند. همچنین این مؤسسات به علت فقدان یا ضعف نهادهای رقیب غیردولتی در درون دولت به وجود آمدند. این عوامل سبب شد که نگاه دولت به دانشگاه‌ها همواره نگاه ابزاری باشد و استقلال آن‌ها برخلاف استقلال مدارس سنتی، پیوسته با فراز و نشیب‌ها و بیم و امیدهایی همراه باشد (فراستخواه، ۱۳۸۹، ص. ۲۷).

پس از انقلاب اسلامی، مدت‌ها استقلال دانشگاهی حتی بر روی کاغذ و در سیاست‌ها و قوانین کشور نیز کنار گذاشته شده بود. اما از دهه‌ی ۱۳۷۰ شمسی به بعد روندی از اصلاحات و تغییرات در جهت احیای مجدد هیئت‌های امناء، تفویض اختیارات برنامه‌ریزی به دانشگاه‌ها و مانند آن آغاز شد (همان). هم‌اکنون ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت علوم، تحقیقات

و فناوری مصوب سال ۱۳۸۳، دانشگاه‌ها را دارای شخصیت مستقل شناخته است (لوح قانون). همچنین ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳ و ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۹۰ بر اداره دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بر اساس آئین‌نامه‌ها و مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی خاص مصوب هیئت امناء مربوط تأکید می‌کنند (همان)، ولی با گذشت بیش از ۸ سال از تصویب قانون برنامه چهارم هنوز وظائف هیئت امناء که در سال ۱۳۶۸ به‌صورت محدود به تصویب رسیده بود تغییر نکرده و بر میزان و حدود اختیارات آن‌ها افزوده نشده است.

در این تحقیق سعی می‌شود با بررسی منابع حقوقی و نگرش متخصصان و مدیران ارشد نظام آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌های ایران میزان استقلال موجود دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را در زمینه‌های مختلف به دست آید.

یافته‌های این تحقیق می‌تواند:

الف - به حکمرانی در دانشگاه‌های ایران و استقلال و مسئولیت آن‌ها و به‌طور کلی تغییر در زمینه آموزش عالی در ایران کمک کند.

ب - ویژگی‌های آموزش عالی ایران را که نظام گسترده و پیچیده‌ای است روشن‌تر کند.

ادبیات تحقیق

۱. تعریف استقلال

در تحلیل مفهوم استقلال معمول به آزادی عمل (توانایی شروع یا پایان دادن فعالیت‌ها به روش خود) توجه می‌شود

(Pfeffer and Salancik As Cited in Sankhulani, 2007, P.68). برای بررسی وجود استقلال در سازمان‌های اجتماعی می‌توان از سؤالی که اتریونی مطرح کرده است استفاده کرد: «تا چه اندازه بازیگران اجتماعی می‌توانند درباره روش کار خود تصمیم بگیرند، و تا چه اندازه آن‌ها مجبور به پی‌گیری روش کاری هستند که توسط آن‌ها انتخاب نشده است؟» (همان). هاروی نیز تقریباً نظر مشابهی دارد و معتقد است که استقلال توانایی انجام فعالیت‌ها بدون کسب اجازه از یک مرجع کنترل‌کننده است (Harvey, 2004). جادات از دو نوع استقلال گفتگو می‌کند: استقلال قانونی و استقلال مؤثر، و معتقد است فاصله قابل توجهی میان آن دو می‌تواند وجود داشته باشد و آن عبارت است از فاصله بین قدرت داده‌شده و امکان

اعمال آن (Jadot, 1981).

۲. حیطه‌های استقلال نهادی

چند تن از نویسندگان حیطه‌های اختیار و به عبارت دیگر حیطه‌های استقلال نهادی دانشگاه‌ها را برشمرده‌اند از جمله اشبی و اندرسون (Ashby & Anderson, 1966)؛ اندرسون و جانسون (Anderson & Johnson, 1998)؛ استرمن و نوکالا (Stermann & Nokkala, 2009)؛ موسس (Moses, 2007)؛ لوی (Levy, 1980)؛ اردوریکا (Ordorika, 2003)؛ و ویتلی (Witley, 2007). مضمون مشترک این مطالعات حیطه‌های استقلال نهادی دانشگاه را حیطه‌های مالی، پرسنلی، علمی، و سازمان‌دهی داخلی اعلام می‌کند (Verhoest, K., 2004). گروه اروپا نیز در سال ۲۰۰۷ با بررسی ابعاد و تعاریف مختلف استقلال نهادی دانشگاه ضمن بیان این‌که چهار حیطه یادشده تمام جنبه‌های استقلال نهادی دانشگاه را پوشش نمی‌دهد آن‌ها را چهار بعد اصلی آن معرفی نمود (Stermann & Nokkala, 2009). به نظر می‌رسد حیطه‌ها یا عوامل^۱ استقلال نهادی دانشگاه که توسط اندرسون و جانسون (Anderson & Johnson, 1998, p.1) معرفی شد و آن را در یک تحقیق مقایسه‌ای بین ۲۰ کشور در قاره‌های مختلف جهان بکار گرفت گسترده‌تر و جامع‌تر از حیطه‌هایی است که توسط سایرین مطرح شده است. این حیطه‌ها عبارت‌اند از:

- کارکنان - استخدام‌ها، ارتقاء و وضعیت اعضای هیئت‌علمی و غیر هیئت‌علمی؛
- دانشجویان - پذیرش، پیشرفت و نظم و انضباط؛
- برنامه درسی و آموزشی - روش‌ها، امتحانات، و محتوای کتاب‌های درسی؛
- استانداردهای علمی - استانداردهای مدارک تحصیلی، ممیزی کیفیت، و اعتبار؛
- تحقیقات و انتشارات - تدریس فوق‌لیسانس و دکتری، اولویت‌ها و آزادی انتشارات؛
- حکمرانی - شوراها، هیئت‌امنا، هیئت‌رئیس و انجمن‌های دانشجویی؛ و
- مالی و اداری - بودجه مؤسسات، عوامل کمک‌های مالی، بودجه‌بندی، کمک‌های مالی و پاسخگویی.

۱. Anderson and Jonson's seven main topics

۳. استقلال اساسی و استقلال فرایندی

چند تن از محققین ابعاد و تقسیمات مختلف استقلال دانشگاهی را از دید خود برشمرده‌اند. یکی از معروف‌ترین این تقسیمات، استقلال اساسی^۱ و استقلال فرایندی^۲ است که بردان در سال ۱۹۹۰ مطرح نمود (Berdahl). وی آن‌ها را چنین تعریف کرد:

استقلال اساسی: «اختیار دانشگاه یا کالج به‌طورکلی در تعیین اهداف و برنامه‌ها - یا به‌طورکلی؛ آکادمی چیست؟». استقلال فرایندی: «اختیار دانشگاه یا کالج به‌طورکلی در تعیین روش‌هایی که اهداف و برنامه‌های خود را محقق سازد یا: به‌طورکلی: آکادمی چگونه است؟».

هر دو استقلال اساسی و استقلال فرایندی برای توضیح عملکرد دانشگاه مهم می‌باشند و بردان (۱۹۹۰) درباره رابطه بین آن‌ها چنین توضیح می‌دهد:

این مفید است دانسته شود که آیا حکومت در موضوعات فرایندی دخالت می‌کند یا در موضوعات اساسی. اولی (یعنی نظارت قبل از اجرا، کنترل خرید، پرسنل، بعضی جنبه‌های سرمایه‌گذاری) می‌تواند برای مسائل آکادمیکی مشکل‌ساز باشد و اغلب، کاهش‌دهنده کارایی. اما برای جلوگیری از نائل شدن دانشگاه‌ها یا کالج‌ها به اهداف خود کافی نیست. برعکس فعالیت‌های حکومت که به اهداف اساسی تأثیر می‌گذارد قلب مسائل آکادمیکی را نشانه می‌گیرد. آنچه در این زمینه حساس نیاز است گفتگو درباره نقش‌های احترام‌آمیز حکومت و دانشگاه‌هاست که به‌نوعی همکاری و تقسیم قدرت منتهی شود و نقش هر یک در تصمیم‌گیری‌های مربوط به حوزه اساسی دانشگاه مشخص گردد.

۴. مدل‌های حکمرانی در دانشگاه‌ها

دور زمانی است که سیستم‌های حکمرانی دانشگاه‌ها در برنامه‌های مطالعات آموزش عالی قرار دارد. در تلاش برای شناخت سازمان و مدیریت دانشگاه چند تن از محققین، نظراتی درباره حکمرانی در دانشگاه‌ها مطرح کرده‌اند. در این بخش به‌طور خلاصه دیدگاه‌های کلارک (Clark, 1983)، نیو و ون وگهت (Neave & Vught, 1994)، و وات (Watts, 1992) موردبررسی قرار می‌گیرند.

1. Substantive Autonomy

2. Procedural Autonomy

دیدگاه وات درباره چگونگی سازمان‌دهی و اداره دانشگاه‌ها:

- وات (watts, 1992) برای اداره دانشگاه‌ها چهار عامل مؤثر را معرفی می‌نماید:
- (۱) دپارتمان‌ها یا هیئت‌های علمی یا شورای عالی دانشگاه، رهبران، معاونان، رؤسای دانشکده‌ها که معیارها و ارزش‌های آکادمیکی را تدوین می‌کنند.
 - (۲) تصمیمات سیاسی، از نتیجه بازی قدرت در بعضی از حوزه‌های سیاسی از قبیل قانون‌گذاری، هیئت دولت، و ریاست جمهوری
 - (۳) مقررات اداری، به‌ویژه از طریق مدیریت سیستم آموزش عالی یا مؤسسات آن و یا توسط وزارت مربوط.
 - (۴) عملکرد بازار، به شرطی که رفتار آن از قبل توسط شرکت‌های بزرگ یا تصمیمات سیاسی طراحی نشده باشد. این بازارها خود معمول به‌صورت رسمی یا غیررسمی، به‌وسیله قانون‌های جامعه و یا به‌وسیله مقررات دانشگاه‌ها، تحت فشار می‌باشند. (p. 81).

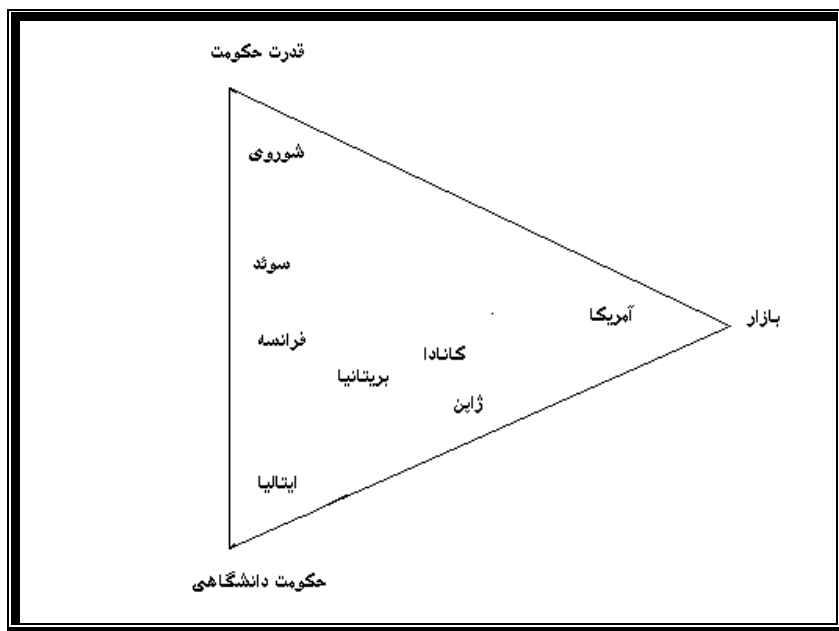
مثلث همکاری کلارک

کلارک (Clark, 1983) سه عامل را در سیستم حکمرانی آموزش عالی مشخص نمود: اختیار و قدرت حکومت، بازار، و حکومت آکادمیک. این سه عامل به‌عنوان نیروهای تعیین‌کننده‌ای تشخیص داده‌شده‌اند که از طریق تعامل درونی، تعادل یک سیستم آموزش عالی را برقرار می‌کنند. کلارک (۱۹۸۳) این سه مکانیزم اصلی را در یک طرح ترکیب نمود و نام آن را مثلث همکاری گذاشت. (شکل ۱).

تسلط دولت عبارت است از قوانین و مقررات دولت؛ تلاش دولت با به‌کارگیری ابزار مناسب برای هدایت تصمیم‌ها و رفتارهای عوامل اجتماعی، مطابق باهدف‌هایی که خود تجویز کرده است (Neave & Vught, 1994, p.6). به‌عنوان عضوی از اجزاء مثلث همکاری «بازار بدون استفاده از سازوکار اداری کار می‌کند: تبادل‌های نامنظمی که اشخاص را به بخش‌ها وصل می‌کند». تبادل عبارت است از «شکل ابتدائی ارتباط که در آن سلسله‌مراتب اداری و دستور دادن وجود ندارد و می‌تواند به‌عنوان روشی برای سازمان‌دهی همکاری در بین مردم در نظر گرفته شود» (Clark, 1983, p.161-162).

حکومت آکادمیکی عبارت است از قابلیت همکاری گروه‌های انسانی عالی‌مقام علمی؛ کسانی

که هم در موقعیت‌های رسمی قرار دارند و هم در شبکه‌های غیررسمی با یکدیگر همکاری می‌کنند تا بر تصمیمات و عملکردها در یک سیستم آموزش عالی تأثیر بگذارند و به آن جهت دهند (Clark, 1983). همان‌طور که قبلاً بیان شد کلارک سه عامل همکاری را برای ایجاد مدل سه وجهی بکار گرفت. هر گوشه مثلث نماینده حداکثری یکی از عوامل و نماینده حداقلی دو عامل دیگر است. به‌عنوان مثال: شوروی سابق، ایتالیا، و آمریکا در نزدیک یکی از این سه گوشه قرار گرفته‌اند، درحالی‌که سایر کشورها در مناطق مختلف درون سه وجهی قرار دارند. درون این مثلث، هر نقطه نماینده ترکیبی است از این سه عامل با مقادیر مختلف (PP.142-145).



شکل شماره (۱) مثلث همکاری کلارک (Clark, 1983, p. 143)

مدل کنترل دولتی و مدل نظارت دولتی در آموزش عالی

با بررسی انواع شیوه‌های حکمرانی بر دانشگاه‌ها، نیو و وگهت دو مدل را از یکدیگر تشخیص دادند: مدل کنترل دولتی و مدل نظارت دولتی (Neave & Vught, 1994, p.9). در مدل کنترل دولتی دانشگاه‌ها به‌وسیله دولت ایجاد شده‌اند و اغلب به‌طور کامل توسط دولت پشتیبانی مالی می‌شوند. به‌علاوه دولت بر بسیاری از فرایندها نظارت دارد و برنامه‌ریز بسیار بانفوذ

سیستم است. در این مدل دولت ملی تقریباً تمام جنبه‌های فعال سیستم آموزش عالی را کنترل می‌کند؛ یعنی دریافت لوازمات، برنامه‌ریزی آموزشی، شرایط فارغ‌التحصیلی، روش‌های امتحانی، انتصاب و استخدام اعضای هیئت علمی (همان). مدل کنترل دولتی اغلب هنگامی بکار گرفته می‌شود که سیستم آموزش عالی برای تأمین نیاز نیروی انسانی متخصص بکار گرفته شود. بنابراین حکومت با اعلام نیاز تقویت اقتصاد ملی، مشروعیت خود را در کنترل زوایای سیستم آموزش عالی پیدا می‌کند (p.10).

اما در مدل نظارت دولتی دخالت از سوی دولت ضعیف است. دولت به منظور تضمین کیفیت آکادمیکی و تأمین سطح حداقلی از مسئولیت‌پذیری بر سیستم آموزش عالی نظارت می‌کند و آن را با ابزارهای قانون‌گذاری مشروح و کنترل سخت، تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. این گونه رفتار به استقلال مؤسسات آموزش عالی احترام می‌گذارد و قابلیت‌های خودتنظیمی این مؤسسات را برمی‌انگیزد. دولت با جدی نشان دادن خود از دور، و با به‌کارگیری قانون‌گذاری کلی، وظیفه خود را فقط نظارت در نظر می‌گیرد (p.11).

چارچوب نظری

در این تحقیق، در تحلیل «استقلال»، همانند اتریونی (As Cited in Sankhulani, 2007, P.68) و هاروی (Harvey, 2004) به «آزادی عمل» یا «تصمیم‌گیری به روش خود» توجه شده است. از این رو استقلال دانشگاه توانایی انجام فعالیت‌های دانشگاهی بدون کسب اجازه از خارج دانشگاه معنی می‌دهد. در این تحقیق استقلال دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (به‌غیر از دانشگاه‌های پیام نور و علمی- کاربردی) بررسی شده است. دخالت خارجی شامل کلیه عوامل و نیروهایی می‌شود که از خارج از دانشگاه در برنامه‌ریزی و اداره آن دخالت می‌نمایند. در این تحقیق عمدتاً دخالت دولت از طریق وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مورد بررسی واقع می‌شود. همچنین دیدگاه جادات (Jadot, 1981) را ملاک قرار داده و بین «استقلال قانونی» و «استقلال واقعی» تفاوت ایجاد شده است.

در این تحقیق، عوامل استقلال نهادی دانشگاهی اندرسون و جانسون (Anderson & Johnson, 1998) به عنوان حوزه‌های مطالعاتی انتخاب شد.

سؤال تحقیق

بر اساس اهداف این پژوهش سؤال اصلی این تحقیق عبارت است از:
ویژگی‌های استقلال نهادهی دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران چیست؟

سؤال فوق بر اساس عوامل استقلال نهادهی اندرسون و جانسون (Anderson, Johnson, 1998) و ویژگی‌های آموزش عالی ایران، به هفت گروه سؤال تحقیق در زمینه‌های: امور پرسنلی، امور دانشجویی، برنامه درسی و تدریس، استانداردهای علمی، پژوهش و چاپ، امور حکمرانی، امور مالی و اداری، و به صورت زیر تبدیل می‌شوند:

۱- امور پرسنل ۱: تا چه اندازه دانشگاه‌ها در نصب و عزل رئیس دانشگاه اختیار دارند؟...
در نصب و عزل معاون دانشگاه؟... نصب و عزل رؤسای گروه‌های آموزشی و مدیران اجرایی؟... سایر اعضای هیئت علمی و کادر اداری؟... تعیین حقوق و میزان خدمات؟... ارتقاء
اعضاء هیئت علمی.

۲- امور دانشجویان ۲: تا چه اندازه دانشگاه‌ها در گزینش دانشجویان خود اختیار دارند؟...
روش‌های انتخاب و پذیرش دانشجویان؟... انضباط دانشجویان؟...

۳- برنامه درسی و تدریس ۳: دانشگاه‌ها در تشکیل رشته‌های تحصیلی و فعالیت‌های علمی
چقدر اختیار دارند؟... انتخاب کتاب درسی؟... روش‌های تدریس؟... روش‌های امتحان؟

۴- استانداردهای علمی ۴: دانشگاه‌ها تا چه اندازه در انتخاب استانداردهای جذب دانشجو
اختیار دارند؟... معیارهای مدارک تحصیلی؟... اعتبار گذاری مؤسسات آموزش عالی؟... حفظ
استانداردهای کیفیت؟

۵- پژوهش و چاپ ۵: دانشگاه‌ها تا چه اندازه در تشکیل دوره‌های تحصیلات تکمیلی
اختیار دارند؟... تعیین اولویت‌های پژوهشی؟... موضوعات تحقیق؟... تصویب انتشارات؟

۶- امور حکمرانی ۶: تا چه اندازه دانشگاه‌ها در مورد انتخاب اعضاء و اداره هیئت‌امنا،
شورای دانشگاه و همچنین انتخاب اعضاء و اداره شوراهای علمی اختیار دارند؟

1. Personal affaire
2. Student affaire
3. Curriculum and Teaching
4. Academic standards
5. Research and Publication
6. Governing matters

۷- امور اداری و مالی ۱ : تا چه اندازه دانشگاه‌ها در تعیین تعداد دانشجو اختیاردارند؟... حذف و ادغام گروه‌های آموزشی؟... تعیین عنوان مدارک تحصیلی؟... طول مقطع تحصیلی؟... طول سال تحصیلی؟... قوانین و مقررات دانشگاه؟... تعیین شهریه دانشجویان؟ توزیع وجوه دولتی در داخل دانشگاه؟... تعیین بودجه دانشگاه؟... ایجاد ظرفیت برای جذب بودجه بیشتر؟... تأیید هزینه‌های سرمایه‌ای عمده؟... تخصیص کمک مالی به دانشجویان؟

روش تحقیق

ابزار مورد استفاده برای این تحقیق اقتباس از پرسشنامه‌ای است که اندرسون و جانسون (۱۹۹۸) برای بررسی استقلال دانشگاهی در ۲۰ کشور از قاره‌های مختلف بکار گرفتند. بعدها سانخولانی در سال ۲۰۰۷ (Sankhulani) برای بررسی استقلال دانشگاه مالاوی و اریک اویو و ایل یوسانیا (Arikewuio & Ilusanya) در سال ۲۰۱۰ برای بررسی استقلال نهادی یکی از دانشگاه‌های دولتی در نیجریه از آن استفاده کردند. این ابزار بین قدرت قانونی با پرسیدن: «آیا دولت اختیار دخالت قانونی دارد؟» و قدرت واقعی با پرسیدن: «آیا دولت عملاً دخالت قابل توجه می‌نماید؟» تمایز قائل می‌شود. در این تحقیق از هر دو سؤال فوق استفاده می‌شود تا میزان اختیار قانونی دولت برای دخالت در هر کدام از اجزاء حیطه‌های استقلال نهادی و نیز میزان دخالت بالفعل و قابل توجه دولت در هر کدام از آن اجزاء مشخص شود. محقق با بررسی کلیه ۵۰ مورد مؤلفه استقلال دانشگاهی این پرسشنامه و تطبیق آن با شرایط محیطی اقدام به حذف ۴ مورد از ۵۰ مورد یادشده و انجام تغییرات جزئی در بعضی از مؤلفه‌های آن نمود. ضمناً شرایطی در پرسشنامه فراهم گردید تا پاسخگویان بتوانند درباره هر یک از ۴۶ مؤلفه استقلال دانشگاهی توضیحات خود را ارائه دهند.

به منظور بررسی حدود اختیارات قانونی دولت برای دخالت در ۴۶ مؤلفه استقلال دانشگاهی یادشده اقدام به جمع‌آوری و مطالعه اسناد و مدارک و قوانین و مقررات مربوط به آموزش عالی ایران و مصاحبه نیم ساخت‌یافته با دو تن از مدیران دانشگاهی متخصص حقوق نمود. همچنین پرسشنامه مربوط به بررسی میزان دخالت واقعی دولت در اجزاء استقلال دانشگاهی بین ده نفر که به شیوه نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شده بودند توزیع گردید. دو نفر متخصص مدیریت و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سه نفر متخصص مدیریت دولتی، دو نفر از

وزیران و یک نفر از معاونین سابق وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دو نفر از رؤسای دانشگاه‌های دولتی ایران این جمع را تشکیل می‌دهند. ضمناً مقدار قابلیت اعتماد^۱ پرسشنامه ۰/۹۴۲ در مقیاس آلفای کرون باخ محاسبه شد.

نتایج

هرکدام از جدول‌های ۱ تا ۷ که در زیر آمده است حاوی اطلاعاتی هست که پاسخگویان به سؤال‌های زیر ارائه داده‌اند:

۱- آیا دولت عملاً در مورد هرکدام از «مواضع تصمیم‌گیری» یا مؤلفه‌های حیطه‌های

استقلال دانشگاهی دخالت قابل توجه می‌نماید؟

۲- آیا دولت در هرکدام از «مواضع تصمیم‌گیری» یا مؤلفه‌های حیطه‌های استقلال

دانشگاهی اختیار دخالت قانونی دارد؟

به‌عنوان مثال در جدول شماره ۱ ردیف اول، نظر کلیه (۱۰۰٪) پاسخگویان این است که دولت «اغلب» در مورد نصب رئیس دانشگاه دخالت قابل توجه می‌نماید. همچنین این جدول نشان می‌دهد که دولت برای دخالت در این «موضع تصمیم‌گیری» دارای مجوز قانونی هست. لازم است ذکر شود در جداول ۱ تا ۷ برخی از موارد که معین شده است دولت مجوز قانونی برای دخالت ندارد از اختیارات هیئت‌امنا دانشگاه‌ها هست و در طول اجرای برنامه چهارم توسعه می‌بایست این اختیارات به هیئت‌امنا واگذار می‌شد ولی تاکنون واگذار نشده است.

جدول شماره (۱) حیطه امور کارکنان دانشگاه‌ها

ردیف	مواضع تصمیم‌گیری	هرگز	بندرت	گاه‌گاه	اغلب	وجود مجوز قانونی برای دخالت:	
						پلی	خیر
۱	نصب رئیس دانشگاه				٪۱۰۰	✓	
۲	عزل رئیس دانشگاه				٪۱۰۰	✓	
۳	نصب اعضای هیئت‌علمی به ریاست گروه آموزشی	٪۳۰	٪۷۰				✓
۴	عزل اعضای هیئت‌علمی از ریاست گروه آموزشی		٪۱۰۰				✓
۵	خاتمه دادن به خدمت اعضای هیئت‌علمی یا مجازات آنها		٪۱۰	٪۳۰	٪۶۰	✓	
۶	نصب یا عزل معاونین رئیس دانشگاه			٪۳۰	٪۷۰		✓
۷	حقوق و مزایا و شرایط کاری اعضای هیئت‌علمی			٪۱۰	٪۹۰		✓
نتیجه		٪۴	٪۲۶	٪۱۰	٪۶۰		

^۱.Reliability

جدول شماره (۲) حیطه امور دانشجویی

ردیف	مواضع تصمیم‌گیری	هرگز	بندرت	گاه‌گاه	اغلب	وجود مجوز قانونی برای دخالت:	
						بلی	خیر
۱	معیارهای عمومی ورود دانشجو به دانشگاه			٪۲۰	٪۸۰	✓	
۲	روش‌های انتخاب و پذیرش دانشجویان			٪۳۰	٪۷۰	✓	
۳	سهمیه داوطلبان ساکن مناطق محروم برای ورود به دانشگاه			٪۱۰	٪۹۰	✓	
۴	انضباط دانشجویان		٪۱۰	٪۱۰	٪۸۰	✓	
نتیجه			٪۲/۵	٪۱۷/۵	٪۸۰		

جدول شماره (۳) حیطه برنامه درسی و تدریس

ردیف	مواضع تصمیم‌گیری	هرگز	بندرت	گاه‌گاه	اغلب	وجود مجوز قانونی برای دخالت:	
						بلی	خیر
۱	روش‌های تدریس	٪۳۰	٪۶۰		٪۱۰		✓
۲	روش‌های امتحان	٪۳۰	٪۵۰	٪۱۰	٪۱۰		✓
۳	زبان آموزش			٪۴۰	٪۶۰	✓	
۴	معرفی دوره‌های آموزشی جدید		٪۱۰	٪۷۰	٪۲۰	✓	
۵	خاتمه دادن به دوره‌های آموزشی		٪۴۰	٪۳۰	٪۳۰	✓	
۶	برنامه درسی رشته‌های تحصیلی			٪۴۰	٪۶۰	✓	
۷	انتخاب کتاب درسی	٪۱۰	٪۴۰	٪۵۰			✓
نتیجه		٪۱۰	٪۲۹	٪۳۴	٪۲۷		

جدول شماره (۴) حیطه امور استانداردهای علمی

ردیف	مواضع تصمیم‌گیری	هرگز	بندرت	گاه‌گاه	اغلب	وجود مجوز قانونی برای دخالت:	
						بلی	خیر
۱	تعیین استانداردهای علمی ورود دانشجویان به دانشگاه			٪۳۰	٪۷۰	✓	
۲	تعیین استانداردهای فارغ‌التحصیلی		٪۱۰	٪۳۰	٪۶۰	✓	
۳	تعیین استانداردها در رشته‌های خاص			٪۶۰	٪۴۰	✓	
۴	ممیزی کیفیت		٪۵۰	٪۲۰	٪۳۰	✓	
۵	اعتبارسنجی سازمان‌های تابعه دانشگاه		٪۲۰	٪۳۰	٪۵۰	✓	
۶	اعتبارسنجی دوره‌های آموزشی		٪۲۰	٪۳۰	٪۵۰	✓	
نتیجه			٪۱۶/۷	٪۳۳/۳	٪۵۰		

جدول شماره (۵) حیطه امور تحقیق و نشر

	مواضع تصمیم‌گیری	هرگز	بندرت	گاه‌گاه	اغلب	وجود مجوز قانونی برای دخالت:	
						بلی	خیر
۱	امکان تشکیل دوره‌های تحصیلات تکمیلی پژوهشی		٪۱۰	٪۲۰	٪۷۰	✓	
۲	اولویت پژوهشی	٪۱۰	٪۷۰	٪۲۰			✓
۳	موضوع تحقیقی خاص	٪۱۰	٪۸۰	٪۱۰			✓
۴	تصویب نشر		٪۳۰		٪۷۰	✓	
نتیجه		٪۵	٪۴۷٫۵	٪۱۲٫۵	٪۳۵		

جدول شماره (۶) حیطه امور حکمرانی دانشگاه‌ها

	مواضع تصمیم‌گیری	هرگز	بندرت	گاه‌گاه	اغلب	وجود مجوز قانونی برای دخالت:	
						بلی	خیر
۱	عضویت در هیئت‌امای دانشگاه				٪۱۰۰	✓	
۲	نظارت بر هیئت‌امای دانشگاه				٪۱۰۰	✓	
۳	عضویت در شورای دانشگاه		٪۳۰	٪۲۰	٪۵۰		✓
۴	نظارت بر شورای دانشگاه	٪۳۰	٪۳۰	٪۲۰	٪۲۰		✓
۵	نظارت بر انجمن‌های دانشجویی		٪۱۰	٪۳۰	٪۶۰	✓	
نتیجه		٪۵	٪۱۴	٪۱۴	٪۶۷		

جدول شماره (۷) حیطه امور مالی و اداری

	مواضع تصمیم‌گیری	هرگز	بندرت	گاه‌گاه	اغلب	وجود مجوز قانونی برای دخالت:	
						بلی	خیر
۱	تعداد دانشجویان در دانشگاه		٪۳۰	٪۴۰	٪۳۰	✓	
۲	تعداد دانشجویان در هر رشته تحصیلی		٪۱۰	٪۵۰	٪۴۰	✓	
۳	بستن یا ادغام سازمان زیرمجموعه دانشگاه		٪۲۰	٪۵۰	٪۳۰	✓	
۴	عناوین مدارک تحصیلی			٪۱۰	٪۹۰	✓	
۵	طول دوره‌های آموزشی		٪۱۰	٪۱۰	٪۸۰	✓	
۶	طول دوره سال تحصیلی		٪۱۰	٪۲۰	٪۷۰	✓	
۷	قوانین و مقررات دانشگاه			٪۳۰	٪۷۰	✓	
۸	ممیزی مالی		٪۱۰	٪۳۰	٪۶۰	✓	
۹	بودجه دانشگاه			٪۱۰	٪۹۰	✓	
۱۰	تصویب فعالیت‌های انتفاعی یا کسب درآمد			٪۶۰	٪۴۰	✓	
۱۱	تأیید هزینه‌های سرمایه‌ای عمده		٪۱۰	٪۵۰	٪۴۰	✓	
۱۲	میزان شهریه			٪۱۰	٪۹۰		✓
۱۳	کمک‌های مالی به دانشجویان			٪۲۰	٪۸۰	✓	
نتیجه			٪۷٫۷	٪۳۰	٪۶۲٫۳		

بررسی جدول‌های فوق نشان می‌دهد که در ۳۲ مورد از ۴۶ موضع تصمیم‌گیری، مجوز قانونی برای دخالت دولت وجود دارد و در ۱۴ مورد دیگر (که برخی از آن‌ها جزو آزادی‌های علمی هست) این مجوز وجود ندارد.

همچنین با تخصیص نمره‌های صفر و یک و دو و سه به ترتیب به پاسخ‌های «هرگز»،

«بندرت»، «گاه‌گاه» و «اغلب» هر پاسخگو، ملاحظه می‌شود که کمترین دخالت قابل توجه دولت در حیطه تحقیق و انتشار با نمره ۱۷/۷۵ رخ می‌دهد و پس از آن به ترتیب در حیطه‌های برنامه درسی و تدریس با نمره ۱۷/۸ از ۳۰، استانداردهای علمی با نمره ۲۲/۳۳ از ۳۰، امور کارکنان با نمره ۲۲/۶ از ۳۰، امور حکمرانی با نمره ۲۴/۳ از ۳۰، امور اداری و مالی با نمره ۲۵/۴۶ از ۳۰ و امور دانشجویان با نمره ۲۷/۷۵ از ۳۰ (جدول ۸).

جدول شماره (۸) میزان دخالت دولت در هر یک از حیطه‌های استقلال

	حیطه‌های استقلال	هرگز	بندرت	گاه‌گاه	اغلب	جمع
۱	امور کارکنان	۴٪	۲۶٪	۱۰٪	۶۰٪	۱۰۰٪
	میانگین درصد پاسخ‌دهندگان	۴٪	۲۶٪	۱۰٪	۶۰٪	۱۰۰٪
	میانگین تعداد پاسخ‌دهندگان	۰	۲۶	۲	۱۸	۲۲/۶
۲	امور دانشجویان	۰	۲۰٪	۱۷/۵٪	۸۰٪	۱۰۰٪
	میانگین درصد پاسخ‌دهندگان	۰	۲۰٪	۱۷/۵٪	۸۰٪	۱۰۰٪
	میانگین تعداد پاسخ‌دهندگان	۰	۲۰	۳/۵	۲۴	۲۷/۷۵
۳	برنامه درسی و تدریس	۱۰٪	۲۹٪	۳۴٪	۲۷٪	۱۰۰٪
	میانگین درصد پاسخ‌دهندگان	۱۰٪	۲۹٪	۳۴٪	۲۷٪	۱۰۰٪
	میانگین تعداد پاسخ‌دهندگان	۰	۲۹	۳/۴	۸/۱	۱۷/۸
۴	استانداردهای علمی	۰	۱۶/۷٪	۳۳/۳٪	۵۰٪	۱۰۰٪
	میانگین درصد پاسخ‌دهندگان	۰	۱۶/۷٪	۳۳/۳٪	۵۰٪	۱۰۰٪
	میانگین تعداد پاسخ‌دهندگان	۰	۱۶/۷	۳/۳۳	۱۵	۲۲/۳۳
۵	تحقیق و انتشار	۵٪	۴۷/۵٪	۱۲/۵٪	۳۵٪	۱۰۰٪
	میانگین درصد پاسخ‌دهندگان	۵٪	۴۷/۵٪	۱۲/۵٪	۳۵٪	۱۰۰٪
	میانگین تعداد پاسخ‌دهندگان	۰	۴۷/۵	۱/۲۵	۳/۵	۱۷/۷۵
۶	امور حکمرانی	۵٪	۱۴٪	۱۴٪	۶۷٪	۱۰۰٪
	میانگین درصد پاسخ‌دهندگان	۵٪	۱۴٪	۱۴٪	۶۷٪	۱۰۰٪
	میانگین تعداد پاسخ‌دهندگان	۰	۱۴	۱/۴	۶/۷	۲۴/۳
۷	امور اداری و مالی	۰	۷/۷٪	۳۰٪	۶۲/۳٪	۱۰۰٪
	میانگین درصد پاسخ‌دهندگان	۰	۷/۷٪	۳۰٪	۶۲/۳٪	۱۰۰٪
	میانگین تعداد پاسخ‌دهندگان	۰	۷/۷	۳	۶/۲۳	۲۵/۴۶

میزان دخالت دولت در امور دانشگاه‌ها به‌طور کلی

با محاسبه میانگین نمرات حاصل از دخالت دولت در حیطه‌های هفت‌گانه امور کارکنان، امور دانشجویان، برنامه درسی و تدریس، استانداردهای علمی، تحقیق و انتشار، امور حکمرانی، امور اداری و مالی مقدار ۲۲/۵۷ از ۳۰ حاصل می‌شود. این عدد نشانگر دخالت دولت در امور دانشگاه‌های دولتی به‌طور کلی هست.

در سؤالی از پاسخگویان پرسیده شد که با توجه به مأموریت دانشگاه‌ها در ایران آیا دخالت

دولت در امور دانشگاه‌ها (۴۶ مورد که قبلاً مطرح شدند) به‌طور کلی در چه حد است. گزینه‌هایی که پاسخگویان می‌توانستند انتخاب کنند عبارت بود از: خیلی بیش‌ازحد است، تا حدودی بیش‌ازحد است، کمی بیش‌ازحد است، معقولانه است، ناکافی است.

از ده نفر پاسخگو ۷ نفر گزینه خیلی بیش‌ازحد و ۳ نفر گزینه تا حدودی بیش‌ازحد را انتخاب نمودند. ملاحظه می‌شود که عدد ۲۲/۵۷ با نظر کلی پاسخگویان همسویی دارد اما با نظر پاسخگویانی که دخالت دولت در امور دانشگاه‌ها را تا حدودی بیش‌ازحد اعلام نمودند مطابقت بیشتری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

۱. بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد که دولت در شش مورد از چهارده مورد از مواضع تصمیم‌گیری دخالت قابل‌توجه می‌نماید که یا مجوز قانونی برای دخالت وجود ندارد و یا از زمان تصویب برنامه چهارم توسعه در سال ۱۳۸۳ که امکان افزایش اختیارات دانشگاه‌ها را فراهم آورد، راهکارها و آئین‌نامه‌های مربوط به تفویض اختیارات پیش‌بینی شده به دانشگاه‌ها را فراهم نیاورده است و عملاً دانشگاه‌ها را بر اساس قوانین و مقررات محدودکننده پیش از تصویب برنامه چهارم توسعه اداره می‌نماید. پانزده مورد یادشده در جدول شماره ۹ ارائه گردیده است. لازم است یادآوری شود که حداکثر هر نمره می‌تواند ۳۰ باشد. همان‌طور که این جدول نشان می‌دهد هفت موضع تصمیم‌گیری که دولت در آن دخالت قابل‌توجه می‌کند عبارت است از: ۱- نصب یا عزل معاونین رئیس دانشگاه، ۲- حقوق و مزایا و شرایط کار اعضای هیئت‌علمی، ۳- عضویت در شورای دانشگاه، ۴- بودجه دانشگاه، ۵- تصویب فعالیت‌های انتفاعی (کسب درآمد)، ۶- میزان شهریه.

جدول شماره (۹) مواضع تصمیم‌گیری که در مورد آن‌ها مجوز قانونی برای دخالت دولت وجود ندارد، یا امکان قانونی برای انتقال اختیار تصمیم‌گیری به دانشگاه‌ها وجود دارد.

ردیف	مواضع تصمیم‌گیری	هرگز	بندرت	گاه‌گاه	اغلب	نمره
۱	نصب اعضای هیئت‌علمی به ریاست گروه آموزشی	۳۰٪	۷۰٪			۷
۲	عزل اعضای هیئت‌علمی از ریاست گروه آموزشی		۱۰۰٪			۱۰
۳	نصب یا عزل معاونین رئیس دانشگاه			۳۰٪	۷۰٪	۲۷
۴	حقوق و مزایا و شرایط کار اعضای هیئت‌علمی			۱۰٪	۹۰٪	۲۹
۵	روش تدریس	۳۰٪	۶۰٪		۱۰٪	۹

۶	روش امتحان	۳۰٪	۵۰٪	۱۰٪	۱۰٪	۱۰
۷	انتخاب کتاب درسی	۱۰٪	۴۰٪	۵۰٪		۱۴
۸	اولویت پژوهش	۱۰٪	۷۰٪	۲۰٪		۱۱
۹	موضوعات تحقیقی خاص	۱۰٪	۸۰٪	۱۰٪		۱۰
۱۰	عضویت در شورای دانشگاه		۳۰٪	۲۰٪	۵۰٪	۲۲
۱۱	نظارت بر شورای دانشگاه	۳۰٪	۳۰٪	۲۰٪	۲۰٪	۱۳
۱۲	بودجه دانشگاه			۱۰٪	۹۰٪	۲۹
۱۳	تصویب فعالیت‌های انتفاعی (کسب درآمد)			۶۰٪	۴۰٪	۲۴
۱۴	میزان شهریه			۱۰٪	۹۰٪	۲۹

۲. تحقیق اندرسون و جانسون در سال ۱۹۹۸ نشان می‌دهد که دولت کشورهای انگلستان، ایرلند، آلمان، ژاپن، نیوزیلند، تایلند، هلند، مالزی، سری‌لانکا، فرانسه، و اندونزی کمتر از مجوز قانونی و دولت کشورهای کانادا، سوئد، روسیه، ایتالیا، آفریقای جنوبی، چین، سنگاپور، بیش از مجوز قانونی و دولت کشورهای آمریکا و استرالیا به میزان مجوز قانونی در امور دانشگاه‌های خود دخالت می‌نمایند (Anderson & Johnson, p. 21). از آنجاکه دولت ایران بیش از ظرفیت‌های قانونی در امور دانشگاه‌های خود دخالت می‌نماید در ردیف کشورهای گروه دوم قرار می‌گیرد.

۳. بررسی عملکرد آموزش عالی ایران در طول دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که روند پذیرش و تربیت دانشجو به گونه‌ای بوده است که بیشترین تأکید بر انتقال علم بوده است (قورچیان، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۳۴)؛ (میرفردی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۸۰). همچنین با توجه به حدود اختیارات دانشگاه‌های دولتی ایران که شامل بخش کوچکی از اختیارات است (چهارده مورد از چهل‌وشش مورد موضع تصمیم‌گیری که در این تحقیق به دست آمد) می‌توان گفت که نگاه اجتماعی به دانشگاه‌های ایران ابزاری هست. نگاهی که ریشه در فلسفه وجودی و خاستگاه تاریخی دانشگاه در این کشور دارد.

۴. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که مهم‌ترین عامل مؤثر در اداره دانشگاه‌های ایران از بین قدرت آکادمیکی، تصمیمات سیاسی، مقررات اداری و بازار، مقررات اداری است. با بررسی قوانین و مقررات مربوط به آموزش عالی ایران مشخص گردید که برای چهل‌ویک مورد از چهل‌وشش مورد موضع تصمیم‌گیری قانون وضع شده است و برای پنج مورد دیگر که عبارت‌اند از ۱-روش تدریس، ۲-روش امتحان، ۳-انتخاب کتاب درسی، ۴-موضوعات تحقیقی خاص، ۵- تعیین اولویت‌های پژوهشی قانونی یافت نشد. همچنین وجود دو مرکز

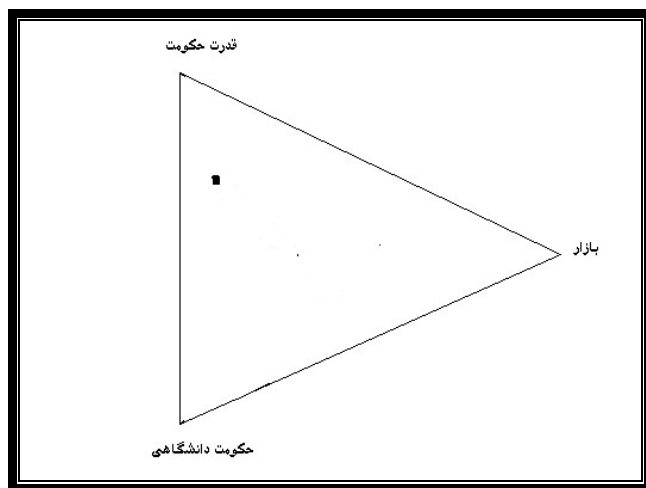
قانون‌گذاری در کشور که می‌توانند درباره آموزش عالی و دانشگاه‌ها قانون وضع نمایند حجم قوانین و مقررات را درباره دانشگاه‌ها به‌طور چشمگیری افزایش داده است.

بسیاری از انبوه قوانین و مقررات حاکم بر نظام آموزش عالی ایران با روح و ساختار متمرکز تشکیلات و نظام اداری کشور هماهنگ است و فضا و زمینه لازم را برای اجرای قوانین و مقررات مربوط به استقلال دانشگاه‌ها (به‌ویژه ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳ و ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۹۰) ایجاد نمی‌کنند. ازاین‌رو این مواد قانونی که حاصل یک دهه بحث و گفتگو در درون جامعه دانشگاهی است تاکنون به مرحله اجرا درنیامده‌اند. ذاکر صالحی (۱۳۸۸) با بررسی ابعاد حقوقی و مدیریتی اجرای ماده ۴۹ معتقد است مبهم جلوه دادن این ماده قانونی بیشتر ریشه در دشواری‌ها و موانع اجرای آن دارد نه در ذات و عبارت حقوقی آن. روشن است توسعه علمی کشور بدون داشتن قوانین و مقررات و ساختارهای مناسب و متریقی به سهولت امکان‌پذیر نیست و نظام سیاسی کلان جامعه، باید اراده لازم برای رفع مشکلات اجرای ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه را بکار گیرد.

از منظر وات مداخلات غیرقانونی دولت در امور دانشگاه‌ها را باید ناشی از تصمیمات سیاسی در نظر گرفت. در این صورت به نظر می‌رسد احتمالاً تصمیمات سیاسی دومین عامل مهم در اداره دانشگاه‌های ایران است. فراستخواه ضمن شرح مداخلات سیاسی در دانشگاه‌های ایران از آغاز تشکیل دانشگاه تهران تاکنون، غلبه سیاست بر آموزش عالی و مدیریت دانشگاهی را یکی از مشکلات اساسی نظام آموزش عالی ایران در شرایط کنونی معرفی می‌کند (۱۳۸۸، صص ۲۶-۶۵). همچنین آراسته (۱۳۸۲) در تحقیق خود تحت عنوان "رضایت شغلی اعضای هیئت علمی دانش‌آموخته خارج از کشور در ایران" می‌گوید موضوعی که در این تحقیق بارها و بارها به آن برخورد کردیم دخالت‌های اهل سیاست در امور دانشگاه‌ها است که موجب مختل شدن فعالیت‌های علمی و نارضایتی اعضای هیئت علمی می‌شود.

ازاین‌رو مؤثرترین عامل در اداره دانشگاه‌های ایران اختیار و قدرت حکومت است (مجموع مقررات اداری و تصمیمات سیاسی در دیدگاه وات) و تأثیر دو عامل دیگر یعنی حکومت دانشگاهی و بازار ضعیف‌تر می‌باشند و در شرایط فعلی مکان ایران در مثلث همکاری کلارک

در نقطه‌ای نزدیک رأس مثلث که نماینده بیشترین اختیار و قدرت حکومت است قرار دارد (شکل ۲)



شکل شماره (۲)

۵. عوامل چندی وجود دارد که نشان می‌دهد که مدل حکمرانی در دانشگاه‌های دولتی عمدتاً مدل کنترل دولتی است. تعدادی از این عوامل عبارت‌اند از: تأمین بودجه و پشتیبانی کامل دانشگاه‌ها توسط دولت، گستره وسیع نفوذ و دخالت (هرچند قانونی) دولت در اداره امور مختلف دانشگاه که در بخش‌های پیشین بدان اشاره شد و نگاه عمدتاً ابزاری به دانشگاه‌های دولتی.

۶. بررسی متون قانون مربوط به اداره دانشگاه‌های دولتی ایران نشان می‌دهد که استقلال دانشگاه‌های دولتی ایران عمدتاً از نوع فرایندی است. با نگاهی به بند ۲ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب سال ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی که درباره اداره امور دانشگاه‌ها تدوین شده است ملاحظه می‌شود موضوعاتی از قبیل برنامه‌ریزی در مورد گسترش دانشگاه‌ها، تعیین ضوابط، معیارها و استانداردهای علمی مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی، رشته‌ها و مقاطع تحصیلی، صدور مجوز انجمن‌های علمی، تأیید اساسنامه و صدور مجوز تأسیس انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویان و دانش‌آموختگان، تعیین صلاحیت و صدور احکام هیئت ممیزه، تعیین ضوابط ارزشیابی علمی مدارک فارغ‌التحصیلان از وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. همچنین شورای

عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه جلسات ۴۲۹ و ۴۳۰ خود موضوعاتی اساسی هم‌چون سهمیه‌بندی ورود به دانشگاه، نحوه برگزاری آزمون ورودی، ضوابط بورس، اعزام دانشجو به خارج، پذیرش دانشجویان خارجی، ضوابط فعالیت‌های برون مرزی دانشگاه‌ها، اسلامی شدن دانشگاه‌ها، دروس معارف اسلامی، آیین نامه مدیریت دانشگاه‌ها و ضوابط انتخاب رؤسا را در حیطه تصمیم‌گیری خود نگه داشته است (لوح قانون، ۱۳۷۵). به عبارت دیگر هدف گذاری، برنامه‌ریزی، و توسعه فعالیت‌های علمی دانشگاه توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یا شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام یا تأیید می‌شود. از طرف دیگر بررسی وظایف و اختیارات هیئت امناء دانشگاه‌ها، مصوب سال ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی نشان می‌دهد که وظایفی از قبیل تصویب سازمان اداری دانشگاه، تصویب بودجه تفصیلی دانشگاه، تصویب حساب‌ها و ترازنامه دانشگاه، تصویب نحوه وصول درآمدهای اختصاصی و مصرف آن، تعیین حسابرس و خزانه دار دانشگاه، تصویب آیین نامه مالی و معاملاتی، پیشنهاد میزان فوق العاده‌های اعضای هیئت علمی و غیر هیئت علمی، تعیین میزان حق تحقیق، حق التدریس، حق ترجمه، حق التألیف و نظائر آن جزو اختیارات آن هیئت در نظر گرفته شده است. لازم است گفته شود با اجرای ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه کشور نیز تغییری در نوع استقلال دانشگاه‌ها رخ نخواهد داد زیرا اختیارات پیش بینی شده در این قانون جزو امور اداری و اجرایی است و ارتباط چندانی باهدف گذاری و برنامه‌ریزی و گسترش فعالیت‌های علمی دانشگاه ندارد. همچنین یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد در میدان عمل نیز نوع استقلال همان است که از بررسی قوانین استخراج گردید.

۷. به نظر می‌رسد که دیدگاه موسلین (Musselin, 1996) درباره شرایط اعطای استقلال بیشتر به دانشگاه‌ها، در مورد دانشگاه‌های ایران نیز صدق می‌کند. در ایران علیرغم فراهم شدن بستر قانونی برای اعطای استقلال بیشتر به دانشگاه‌ها از قبیل تصویب ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه در سال ۱۳۸۳ (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳) و ماده ۲۰ قانون پنجم توسعه در سال ۱۳۹۰ (لوح قانون)، دولت هنوز مقدمات اجرای مواد قانونی یادشده را فراهم نکرده است. این احتمال وجود دارد که عدم پی‌گیری و اجرای مواد قانونی مذکور به علت عدم رضایت از عملکرد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی باشد که در سال‌های اخیر با مطرح شدن مسائلی از قبیل ریشه‌های غربی دانشگاه‌ها و همچنین تدریس مطالب

غربی در رشته‌های علوم انسانی شدت گرفته است. این رو احتمالاً بتوان اظهارات موسلین را مورد تأکید قرار داد که افزایش استقلال دانشگاه‌ها وابستگی زیادی به حسن نیت دولت دارد و نه به اجرای هر سیاست خاص.

۸. در یک تحقیق مقایسه‌ای درباره استقلال نهادی در بیست کشور، اندرسون و جانسون (Anderson & Johnson, 1998, p. 19) دریافتند که دو حوزه که دولت‌ها بیش از سایر حوزه‌ها دخالت می‌کنند حوزه استانداردهای دانشگاهی و حوزه مالی واداری است؛ و حوزه‌هایی که دولت‌ها کمتر از همه دخالت می‌کنند حوزه برنامه آموزشی و تدریس و حوزه امور حکمرانی مانند شوراها، هیئت‌امنا و انجمن‌های دانشجویی است. با توجه به یافته‌های این تحقیق دو حوزه ای که در ایران از سوی دولت بیش ترین دخالت می‌شود امور دانشجویان با نمره ۲۷/۷۵ از ۳۰ و امور اداری مالی با ۲۵/۴۶ از ۳۰ است و در دو حوزه ای که کم ترین دخالت می‌شود تحقیق و انتشار با نمره ۱۷/۷۵ از ۳۰ و برنامه آموزشی و تدریس با نمره ۱۷/۸ از ۳۰ هست.

۹. ممکن است اینطور به نظر آید که با وجود وابستگی شدید مالی دانشگاه‌های دولتی ایران به منابع دولتی امکان گسترش استقلال وجود نداشته باشد. اما همانطور که پیشتر نیز بیان شد جادوت (Jadot, 1981) طی بررسی های خود نتیجه گرفت که در یک مؤسسه آموزش عالی تحت کنترل زیاد دولت، اعتماد دولت بر اداره فعالیت‌ها توسط دانشگاه، تأثیر مستقیم بیشتری بر میزان استقلال دانشگاهی دارد.

۱۰. نتایج این تحقیق برخی نتایج مطالعات پیشین را تأیید می‌کند. ازجمله مطالعات حسین رحمان سرشت را که نتیجه گرفت قوانین و مقررات حاکم، دیوانسالاری کاملی در آموزش عالی ایران ایجاد کرده و از کارکرد مؤثر آن پیشگیری نموده است (۱۳۷۷)؛ و تحقیق حمید جاودانی و دیگران (۱۳۸۷) را که نتیجه گرفتند ۷۱٪ مدیران عالی نظام آموزش عالی ایران تمرکزگرایی، حاکمیت دیوانسالاری سستی و شکل نگرفتن استقلال آکادمیک را جزو نقاط ضعف آموزش عالی ایران می‌دانند و مداخله گری دولت در نظام آموزش عالی را از تهدیدات آن به شمار می‌آورند. همچنین یافته‌های دو تحقیق دیگر را یکی تحت عنوان "بررسی دیدگاه مدیران مراکز علمی کشور در زمینه استقلال دانشگاهی در ایران" که توسط ذاکر صالحی و ذاکر صالحی در سال ۱۳۸۹ انجام شده است و دیگری تحت عنوان "بررسی وظایف هیئت‌های امنا و نقش آن در استقلال دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم

تحقیقات و فناوری از دیدگاه اعضای هیئت‌های امنای و شوراهای دانشگاه‌ها " که در سال ۱۳۸۶ توسط آذرگشپ و دیگران انجام شد و بر ناگافی بودن اختیارات دانشگاه‌ها و لزوم گسترش و تحکیم استقلال آن‌ها از طریق گسترش وظایف هیئت امنای دانشگاه‌ها تأکید کردند.

فهرست منابع:

- آذرگشب، اذن الله و دیگران (۱۳۸۶). «بررسی وظایف هیئت‌های امناء و نقش آن در استقلال دانشگاه‌های دولتی و وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از دیدگاه اعضای هیئت‌های امناء و شوراهای دانشگاه‌ها». مجله گام‌های توسعه در آموزش پزشکی، دوره چهارم، شماره اول، صص. ۱۹-۲۹.
- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۲). «رضایت شغلی اعضای هیئت‌علمی دانش‌آموخته خارج از کشور در ایران». فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۸-۲۷، صص ۱۲۵-۹۵.
- جاودانی، حمید و دیگران (۱۳۸۷). «بررسی وضعیت مدیریت نظام آموزش عالی ایران از دیدگاه مدیران عالی: گذشته، حال، آینده». فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۸، صص ۱۶۱-۱۴۰.
- ذاکر صالحی، غلامرضا؛ ذاکر صالحی، امین (۱۳۸۹). «بررسی دیدگاه مدیران مراکز علمی کشور در زمینه استقلال دانشگاهی در ایران». فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال سوم، شماره ۱، صص ۵۹-۳۳.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۸). «بررسی ابعاد حقوقی و مدیریتی استقلال دانشگاه‌ها در ایران (موضوع ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه) و تدوین راهکارهای اجرایی تحقق آن». فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۳، صص ۷۹-۱۰۶.
- رحمان سرشت، حسین (۱۳۷۷). «کنترل دولتی آموزش عالی در ایران». تهران: فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۱۶ و ۱۵، صص ۱۵۲-۱۳۹.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). «دانشگاه و آموزش عالی: منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی». تهران: نشر نی.
- قورچیان، نادرقلی؛ آراسته، حمید رضا؛ جعفری، پریش. (۱۳۸۳). «دائرة المعارف آموزش عالی». ج. ۱، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- لوح قانون (۱۳۷۵). «مجموعه‌ی قوانین و مقررات»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- میرفردی، اصغر (۱۳۸۳). «آسیب شناسی تعامل بین آموزش عالی و توسعه در ایران». در: مجموعه آثار کنفرانس آموزش عالی و توسعه پایدار. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- Aghion, P., et al., 2008. *"Higher aspirations"*. An agenda for reforming European universities. Bruegel Blueprint Series V.
- Anderson, Don & Johnson, Richard (1998). *"University Autonomy in Twenty Countries"*. The Australian National University, center for Continuing Education.
- Arikewuyo, M.O., Ilvsanya, G (2010). *"University Autonomy in The Third-Generation University in Nigeria"*. Tertiary Education and Management, 16: 2, 81 — 98
- Ashby, E. & Anderson, M. 1966. *"Universities: British, Indian, African. A Study in the Ecology of Higher Education"*. Cambridge: Harvard University Press.
- Berdahl, R. (1990). *"Academic freedom, autonomy and accountability in British Universities"*. Studies in higher Education 15 (2), 169-180.
- Bladh, Agneta, 2007. *"Institutional Autonomy with Increasing Dependency on Outside Actors"*. Higher Education Policy, 20, PP. 243-259
- Clark, B. R. (1983). *"The higher education system: Academic organization in cross national Perspective"*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Cutt, J., & Dobell, R. (1992): *"Autonomy and accountability in the groves of academe"*. Halifax, Canada: The Institute for Research on Public Policy, (PP. 1-7).
- Estermann, T. & Bennetot Pruvot, E., 2011. *"Financially Sustainable Universities II: European universities diversifying their income streams"*. European University Association
- Estermann, T., Nokkala, T. & Steinell, M., 2011. *University Autonomy in Europe II*. European University Association
- Estermann, T., Nokkala, T., 2009. *University Autonomy in Europe I*. European University Association
- Fowler, F. C., Boyd. W. L., & Plank D. N. (1993). *International School reform: The Political consideration*. In S. L. Jacobson & R. Bern (Eds.),

Reforming education: The emerging approach (PP. 153-167). Thousand Oaks. CA: Corwin Press. Inc.

- Harvey, L. (2004). *Analytic Quality Glossary*. Quality Research International. Retrieved on November 12, 2010 from <http://www.qualityreseachinternational.com/glossary/>
- Jadote, J. (1981). "Survey of the State-of-The-art and Likely future trends of University management in Europe". International Journal of Institutional Management in Higher Education 5 (1), 49-78.
- King, Roger (2005), "Higher Educational and other Charities in England", Seminar on Higher
- Education, 28-30 October, Novi Sad, Serbia, mimeo.
- Levy, D. C. (1980). *University and government in Mexico : autonomy in an authoritarian system*. New York: Praeger
- Moses, I. (2007). *Institutional Autonomy Revisited: Autonomy Justified and Accounted*. Higher Education Policy, 20(3), 261-274.
- Neave, G., & Vught, F. Van (1994). "Government and higher education in developing nations: A conceptual framework. In G. Neave & F. Van Vught (Eds.)", Government and higher education relationships across Three continents: The wind of change (PP. 1-21). Paris, France: International Association of Universities Press.
- Okorosaye-Orubite, A. K., et al., 2012. "University Autonomy, Academic Freedom and Academic Staff Union of Universities' (ASUU) Struggles in Nigeria: A Historical Perspective" Asian Social Science; Vol. 8, No. 12. PP. 256 – 275
- Pfeffer, J., & Salancik, G. R. (1978). *The External Control of Organizations: a resource dependence*. New York: Harper & Row.
- Reichert & Tauch, C., 2007. "Lisbon Declaration – Europe's Universities beyond 2010: Diversity with a Common Purpose". European University Association
- Sankhulani, E. James (2007). "A study of Institutional Autonomy in the University of Malawi". Doctoral dissertation, University of Saskatchewan.
- Volkwein, F. J. (1986) "Campus Autonomy and Its Relationship to Measure of University Quality", the Journal of Higher Education, Vol. 57, No. 5 PP. 510-528

- Watts, R. (1992). *"University and Public Policy. In J. Cutt & R. Dobel (Eds)"*. Public Purse, Public Purpose: Autonomy and Accountability in groves of academe. Halifax, Canada: The Institute for Research on Public Policy, (PP. 51-74).
- Whitley, R. (2007). *"Constructing universities as strategic actors: limitations and variations"*. Paper presented at the conference 'The univesity in the market', Stockholm, Wenner-Gren Center 1-3 November.
- Verhoest, K. Peters, G. B. Bouckaert, G. and Verschuere, B. (2004). *"The study of organisational autonomy: a conceptual review"*. Public administration and development, 24, 101-118.